**اسماء الله(۳)؛ صمد، نام زیباى خدا**

 دی ۱۶, ۱۳۹۴

سید مصطفى حسینى ‌‌‌‌‌‌‌

اشاره: یکى از نام ‌‌‌‌‌‌‌هاى زیباى خداوند، «صمد» است. این نام مبارک، ستاره ‌‌‌‌‌‌‌اى یگانه است که در آسمان قرآن مى ‌‌‌‌‌‌‌درخشد و بیش از یک بار در قرآن کریم نیامده است. یهودیان، نسب خداوند را از رسول خدا صلى الله علیه و آله پرسیدند، و حضرتش تا سه روز پاسخى به آنان نداد. پس از آن، سوره توحید نازل شد که ذات مقدّس خداوند را به نام ‌‌‌‌‌‌‌هاى «احد» و «صمد» «لم یلد» و «لم یولد» و «لم یکن له کفواً احد» ستود.

نَسَبُ الله قل هو اللهُ ‌‌‌‌‌‌‌                                                 فانظروا فیه تعرفوا ما هوُ

أحدى الذمهٌ صمدٌ                                                   لیس یدرى ما هو الّا هُو

در این نوشتار، به بررسى این اسم الهى مى ‌‌‌‌‌‌‌پردازیم.

**معناى لغوى صمد**

صمد در لغت از «صمد، یصمد» به معناى «قصد، یقصد» یعنى قصد وآهنگ و توجه به سوى کسى یا چیزى است.[[۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn1) در زیارت سلطان سریر ارتضا حضرت امام رضا علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام آمده است:

الّلهم الیک صمدت من أرضى و قطعت البلاد رجاء رحمتک؛ بارالها! از شهر و دیارم قصد و آهنگ تو کردم [زیرا حضرت امام رضا علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام وجه الله است ‌‌‌‌‌‌‌] و به امید رحمتت شهرها را پیمودم.

صمد، سید و آقایى است که سیادت و شرافت، به او منتهى مى ‌‌‌‌‌‌‌شود و برتر از او کسى نیست و همه از او اطاعت کنند و در تمام نیازها و امور ومشکلات، قصد و آهنگ او کنند و به او توجه نمایند.

**معناى صمد در آیینه روایات ‌‌‌‌‌‌‌**

از آن ‌‌‌‌‌‌‌جا که معرفت و شناخت خداوند و صفات و اسما او و فرق آن با اسما و صفات آفریدگان اهمیتى شایان دارد، در روایات اهل بیت عصمت و وحى ‌‌‌‌‌‌‌علیهم السلام به تفسیر و تبین این اسم شریف پرداخته شده است که تفصیل آن در فراخور این مقاله نیست؛ ولى به اختصار مى ‌‌‌‌‌‌‌گوییم:

از جمله روایاتى که به توضیح و تبیین معانى صمد پرداخته، روایتى است از کاشف اسرار حقایق حضرت امام صادق علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام از پدرش از حضرت امام سجادعلیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام از حضرت امام حسین علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام که فرمود:

الصمد، الذى لا جوف له، و الصمد الذى به انتهى سؤدده، و الصمد الذى لایأ کل و لایشرب، والصمد الذى لا ینام، والصمد الذى لم یزل و لا یزال ‌‌‌‌‌‌‌؛[[۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn2)

صمد، آن است که توخالى نیست [/ وجود بسیطى که از چیزى ترکیب نیافته و غیر قابل نفوذ است ‌‌‌‌‌‌‌]؛ صمد کسى است که شرافت و سیادت به او منتهى مى شود؛ صمد کسى است که نمى ‌‌‌‌‌‌‌خورد و نمى ‌‌‌‌‌‌‌آشامد؛ صمد کسى است که نمى ‌‌‌‌‌‌‌خوابد و ازلى و ابدى [/ همیشگى ‌‌‌‌‌‌‌] است.

در بعضى روایات، «لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد»، تفسیر و توضیح اسم شریف صمد دانسته شده است. در روایتى، حضرت جواد الائمه علیه السلام در پاسخ کسى که درباره اسم شریف صمد مى ‌‌‌‌‌‌‌پرسد، مى ‌‌‌‌‌‌‌فرماید:السید المصمود الیه فى القلیل و الکثیر

؛ صمد، سید و شریفى است که همه به او اعتماد کرده و در هر کم و زیاد، قصد و آهنگ او نمایند.

روایات گذشته سیادت و شرافت و صمدیت خداوند را از هر عیب و نقصى که در سادات و بزرگان از مخلوقات است، منزه و مبّرا دانسته است؛ بنابراین معناى صمد طبق این روایات، خدایى است که کعبه مقصود هر محتاج، و پناه هر بى ‌‌‌‌‌‌‌پناه است که تنها به او تکیه کنند؛ از هر عیب و نقص و کاستى، منزه و مبرا است و صمدیت و سیادت بى ‌‌‌‌‌‌‌نقص او ایجاب مى ‌‌‌‌‌‌‌کند از کسى زاییده نشده و کسى هم از او زاییده نشده و و همتایى نداشته باشد.

**حقایق توحید و دین اسلام و شرایع در اسم مبارک «صمد»**

علامه مجلسى قدس سره، روایتى زیبا از حضرت امام محمد باقرعلیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام نقل مى ‌‌‌‌‌‌‌کند که آن حضرت، بسیارى از معارف بلند توحیدى را از حروف «صمد» استخراج کرده ‌‌‌‌‌‌‌اند. این روایت، از اهمیت حروف و آثار و فوائد و بار معنوى حروف پرده برمى ‌‌‌‌‌‌‌دارد. وهب بن وهب قریشى مى ‌‌‌‌‌‌‌گوید:

از حضرت امام صادق علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام شنیدم که مى ‌‌‌‌‌‌‌فرمود: جماعتى از فلسطین خدمت پدرم حضرت امام باقر علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام شرفیاب شدند و مسائلى پرسیدند آن گاه از معانى «الصمد» پرسیدند؛ پدرم فرمود:

تفسیر آن در خودش موجود است؛ «الصمد» پنج حرف است؛ الف آن، دلیل بر انّیت و حقیقت اوست؛ چنان که فرمود:«شهد الله انه لا اله الا هو»

؛ [/ خدا گواهى مى ‌‌‌‌‌‌‌دهد معبودى نیست، مگر او] این، تنبیه و اشاره است به این که او غایب از درک حواس است و حواس، نمى ‌‌‌‌‌‌‌تواند او را درک کند.

لام در «الصمد» دلالت بر الهیت و این ‌‌‌‌‌‌‌که همانا او «الله» است، دارد و این ‌‌‌‌‌‌‌که الف و لام «الصمد» ادغام ‌‌‌‌‌‌‌

شده در کلام ظاهر نمى ‌‌‌‌‌‌‌شوند و به گوش شنیده نمى ‌‌‌‌‌‌‌شوند، بلکه فقط در مقام کتابت و نوشتار ظاهر مى ‌‌‌‌‌‌‌شوند [/ نوشته مى ‌‌‌‌‌‌‌شود؛ ولى خوانده نمى ‌‌‌‌‌‌‌شود که از ویژگى ‌‌‌‌‌‌‌هاى الف و لام شمسى است ‌‌‌‌‌‌‌] دلیل بر این است که الهیت او لطیف و خفى است. به وسیله حواس، ادراک نمى ‌‌‌‌‌‌‌شود و به زبان هیچ توصیف کننده و به گوش هیچ شنونده درنمى ‌‌‌‌‌‌‌آید؛ زیرا تفسیر آن است که او (إله)، کسى است که خلق، از درک ماهیت و کیفیت او به واسطه حس یا وهم، در تحیر و سرگردانى به سر مى ‌‌‌‌‌‌‌برد. این، به این دلیل است که او خالق و آفریننده اوهام و حواس است.

این که الف و لام «الصمد» در نوشتن ظاهر مى ‌‌‌‌‌‌‌شود، دلیل بر این است که خداوند، ربوبیتش را در آفرینش مخلوقات و ترکیب کردن ارواح لطیف در جسم ‌‌‌‌‌‌‌هاى کثیف [/ متراکم، ضد لطیف ‌‌‌‌‌‌‌] ظاهر کرد؛ به گونه ‌‌‌‌‌‌‌اى که وقتى بنده به خود مى ‌‌‌‌‌‌‌نگرد، روحش را نمى ‌‌‌‌‌‌‌بیند؛ همان ‌‌‌‌‌‌‌گونه که الف و لام الصمد در خواندن، دیده [و شنیده ‌‌‌‌‌‌‌] نمى ‌‌‌‌‌‌‌شود و با هیچ یک از حواس پنجگانه درک نمى ‌‌‌‌‌‌‌شود؛ اما وقتى به کتابت و نوشتار «الصمد» مى ‌‌‌‌‌‌‌نگرد، مى ‌‌‌‌‌‌‌بیند آنچه [در خواندن ‌‌‌‌‌‌‌] در لطف و خفا بود، ظاهر مى ‌‌‌‌‌‌‌شود.

پس هر گاه بنده در ماهیت بارى تعالى و کیفیت او بیندیشد، متحیر و سرگردان مى ‌‌‌‌‌‌‌شود. و فکر او به چیزى که بتواند آن را تصور کند احاطه نمى ‌‌‌‌‌‌‌یابد، زیرا خداوند- عزوجل- خالق و آفریننده صورت ‌‌‌‌‌‌‌ها است؛ پس زمانى که بنده، به خلقت و آفرینش خود به دقت نگریست، برایش ثابت مى ‌‌‌‌‌‌‌شود که خداوند- عزوجل- خالق همه آن ‌‌‌‌‌‌‌ها است و همو است که ارواح ایشان را با اجسادشان به هم آمیخته است.

اما صاد در «الصمد» دلیل بر این است که حق تعالى صادق است و گفته و سخنش صدق است و بندگانش را فراخوانده است که راه صدق و راستى را به راستى پیروى کنند، و به آن ‌‌‌‌‌‌‌ها با صداقت و راستى به جایگاه صدق [/ بهشت ‌‌‌‌‌‌‌] وعده داده است [یا این که خداوند وعده داده است بندگانش را به جایگاه صدق، به سبب راستى و صداقت در گفتار و کردارشان ‌‌‌‌‌‌‌]

اما میم در «الصمد» دلیل بر مُلک و سلطنت او است و این که او پادشاه بر حق است همیشه بوده و خواهد بود و سلطنت و پادشاهى او برطرف نخواهد شد.

و دال در «الصمد» دلیل بر دوام ملک و سلطنت و دوام ذات او است [از میم «صمد»، ملک و سلطنت او، و از دال آن، دوام این ملک و سلطنت فهیمده مى ‌‌‌‌‌‌‌شود] و این که او بالاتر از عالم کون و فساد [/ زوال ‌‌‌‌‌‌‌] است [/ تغییر و تبدیل، در ساحت قُدس خداوند متعال راه ندارد]؛ بلکه او، به وجودآورنده همه موجودات است و به واسطه عنایت و فیضِ اراده و مشیت و ایجاد و آفرینش او، موجودات آفریده شده ‌‌‌‌‌‌‌اند.

**آن ‌‌‌‌‌‌‌گاه حضرتش، امام باقر العلوم علیه السلام فرمود:**

اگر براى علمى که خداوند متعال به من عطا فرموده، حمل ‌‌‌‌‌‌‌کننده ‌‌‌‌‌‌‌اى [/ کسى که بتواند بفهمد و تحمل کند] مى ‌‌‌‌‌‌‌یافتم، به یقین حقایق توحید و اسلام و دین و شرایع را از اسم صمد منتشر مى ‌‌‌‌‌‌‌کردم. چطور ممکن است حاملى براى علم خداوند بیابم؛ در حالى که جدم امیر المؤمنین نیز حاملى براى علمش نیافت؟ به طورى که از سر این درد، آهى کشید و بر روى منبر فرمود: «از من بپرسید، پیش از آن که مرا از دست بدهید؛ زیرا درون من سرشار از علم است. آه آه! که کسى را نمى ‌‌‌‌‌‌‌یابم که بتواند بار این علوم را بر دوش بکشد. آگاه باشید من حجت و دلیل آشکار و رساى خداوند بر شما هستم؛ پس با گروهى که خداوند بر آن ‌‌‌‌‌‌‌ها خشم کرده است دوستى نکنید. به یقین، آن ‌‌‌‌‌‌‌ها از آخرت ناامیدند؛ همانگونه که کفار، از اهل قبور ناامیدند».

**سپس حضرت امام باقر علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام مى ‌‌‌‌‌‌‌فرماید:**

شکر و سپاس خداوندى را که بر ما منت نهاد و ما را به عبادت و پرستش خویش موفق ساخت؛ آن خداى یگانه صمد که نه کسى را زاییده و نه از کسى زاییده شده و احدى، کفو و همتاى او نیست و ما را از پرستش بت ‌‌‌‌‌‌‌ها دور نمود؛ حمد و سپاس همیشگى و شکرى بى ‌‌‌‌‌‌‌نهایت و دایمى.

خداوند- عزوجل- فرموده است: «کسى را نزاییده و زاییده نشده»؛ خداوند- عزوجل- مى ‌‌‌‌‌‌‌فرماید: «نزاییده است»، تا این که براى او فرزندى باشد که از ملک او ارث ببرد و «از کسى زاییده نشده است» تا این ‌‌‌‌‌‌‌که براى او پدرى باشد که در ربوبیت و ملکش شریک باشد و «لم یکن له کفواً احد» و براى او همتایى نیست که در سلطنتش او را کمک و یارى رساند.[[۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn3)

**اهمیت حروف در قرآن و روایات ‌‌‌‌‌‌‌**

این حدیث، از احادیث بسیار مهم در باب اسرار حروف است که ژرف ‌‌‌‌‌‌‌نگرى در آن، باب جدید و وسیعى در این زمینه مى ‌‌‌‌‌‌‌گشاید و زبان اعتراض منکران این باب را مى ‌‌‌‌‌‌‌بندد. از این روایت شریف استفاده مى ‌‌‌‌‌‌‌شود که حروف ریشه و اساس تمام علوم، هستند و علومى در آن ‌‌‌‌‌‌‌ها نهفته است که اهل آن مى ‌‌‌‌‌‌‌توانند از درون آن استخراج نمایند .. شاید حروف مقطعه قرآنى نیز به همین مطلب اشاره داشته باشد که: اى کسانى که به معجزه همیشگى این کتاب آسمانى و مطالب بلند آن ایمان دارید و مى ‌‌‌‌‌‌‌دانید که اگر انسیان و جنیان دست به دست هم دهند توان آوردن حتى یک آیه همانند آن را ندارند! بدانید همه این مفاهیم بلند را از دل همین حروف بیرون کشیده ‌‌‌‌‌‌‌ایم و به واسطه چینش همین حروف، این معانى را خلق کرده ‌‌‌‌‌‌‌ایم و حروفند که بار معانى و مفاهیم بلند عرفانى و اسم اعظم الهى را به دوش مى ‌‌‌‌‌‌‌کشند؛ به همین سبب امیر کلام، على ‌‌‌‌‌‌‌علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام فرمود: لکل شى ‌‌‌‌‌‌‌ء صفوه و صفوه القرآن حروف التهجى ‌‌‌‌‌‌‌؛[[۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn4)

هر چیزى، خالص و ناب و عصاره ‌‌‌‌‌‌‌اى دارد و خالص و عصاره قرآن، حروف تهجّى هستند.

البته چنانچه گذشت، استخراج این علوم از غیر معصوم علیهم السلام نیاید و تحمل آن را دیگرى ندارد.

**تقوا و طهارت نفس، شرط ارتباط و انس با قرآن ‌‌‌‌‌‌‌**

باید دانست قرآن که جامع علوم و معارف است ‌‌‌‌‌‌‌ «لا رَطْبٍ وَ لا یابِسٍ إِلّا فى کِتابٍ مُبینٍ»[[۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn5)، با شایستگان سخن مى ‌‌‌‌‌‌‌گوید و از گنج ‌‌‌‌‌‌‌هاى پنهان معانى و لطایف خویش بهره ‌‌‌‌‌‌‌مندشان مى ‌‌‌‌‌‌‌سازد؛ چرا که ‌‌‌‌‌‌‌ «انهُ لَقُران کریم»؛ ولى چون پاک و مطهر است ‌‌‌‌‌‌‌ «لا یمسّه الا المطهّرون» طهارت شرط ارتباط همنشینى دل با قرآن است. بدون طهارت و تهذیب نفس، ممکن نیست کسى به اصل و اساس و عصاره قرآن و علوم و معارف الهى دست یابد؛ چنان که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

علم، درآسمان ‌‌‌‌‌‌‌ها نیست، تا به سوى شما نازل شود؛ در زمین نیز نیست، تا به سوى شما صعود کند؛ بلکه علم، درکنه وجود و قلوب شما سرشته شده است. به اخلاق روحانیان [/ ملکوتیان ‌‌‌‌‌‌‌] متخلق شوید، تا برایتان ظاهر گردد.[[۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn6)

از این رو طالب راه خدا و سالک سبیل هُدا باید بیش از پیش با اسم شریف صمد ارتباط برقرار کند و در معانى آن تدبر و تفکر نماید و خود را به اخلاق صمدى خداوند متخلق سازد. اگر انسان با سعى و تلاش و مجاهدت و مراقبت از نفس و مداومت بر ذکر خداوند، همچون «یا احد یا صمد»، «الله الصمد»، «یا صمد» مظهر صمدیت خداوند گردید، دل ‌‌‌‌‌‌‌ها متوجه او خواهد شد و مردم، در مشکلات و حاجات و بلاها و گرفتارى ‌‌‌‌‌‌‌ها قصد و آهنگ او کرده و به او اعتماد خواهند نمود. او با این پشتوانه معنوى خواهد توانست هادى راه باشد و خواسته ‌‌‌‌‌‌‌هاى معنوى و مادى مخلوقات را برآورده سازد.

پیامبر گرامى اسلام و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام مظاهر تام و کامل صمدیت خدا

در عالم هستى، مظهر کامل صمدیت خداوند، حضرت ختمى مرتبت محمد مصطفى صلى الله علیه و آله و اهل بیت گرامى آن بزرگوار هستند. در زیارت جامعه کبیره در توصیف آن بزرگواران مى ‌‌‌‌‌‌‌خوانیم:

بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزّل الغیث و بکم ‌‌‌‌‌‌‌ یمسک السماء انْ تقع على الارض الا باذنه و بکم ینفس الهمّ و یکشف الضر

. خداوند، به شما [عالم را] آغاز کرد [و ایجاد نمود] و به شما نیز پایان مى ‌‌‌‌‌‌‌دهد و به واسطه شما باران را نازل مى ‌‌‌‌‌‌‌کند و به واسطه شما آسمان را حفظ مى ‌‌‌‌‌‌‌کند، تا بر زمین فرود نریزد بدون اذنش. و به واسطه شما غم و اندوه زدوده شده، سختى ‌‌‌‌‌‌‌ها برطرف مى ‌‌‌‌‌‌‌گردد.

آن چهارده نور مقدس علیهم السلام در طول عُمرشان در این نشأه خاکى و بعد از عروج به عالم افلاکى، مرجع و ملجأ و پناهگاه بى ‌‌‌‌‌‌‌پناهان و بیچارگان و حاجتمندان بوده و هستند و کریمانه و مشفقانه حاجات و نیازهاى مخلوقات خداوند- به ویژه شیعیان و دوستدارانشان- را برآورده مى ‌‌‌‌‌‌‌کنند. این همه فضایل، به برکت تخلق به اخلاق صمدانى است که در حد کمال در وجود مسعودشان تجلّى کرده است. این مرحله از این خُلق، ویژه اهل بیت عصمت و وحى علیهم السلام است و کسى در این میدان، شریک آنان نیست؛ ولى در مراحل پایین ‌‌‌‌‌‌‌تر، باب تخلّق به روى بندگان خدا و شیعیان على مرتضى علیه السلام باز است؛ بنابراین اگر کسى در مراقبه و مجاهده و مداومت بر ذکر خداوند سعى بلیغ و کوشش بى ‌‌‌‌‌‌‌دریغ مبذول داشت و در اسما و صفات او، تدبر و تفکر کرد، تنها دل به او مى ‌‌‌‌‌‌‌بندد؛ امیدش از غیر او قطع مى ‌‌‌‌‌‌‌شود به صفت صمدیت خداوند متصف مى ‌‌‌‌‌‌‌گردد. سعدى شیرازى در این باره این ‌‌‌‌‌‌‌گونه سروده است:

که عاجزترند از صنم هرچه هست ‌‌‌‌‌‌‌                             دل اندر صمد باید اى دوست بست ‌‌‌‌‌‌‌

که باز آیدت دست حاجت تهى ‌‌‌‌‌‌‌                                محال است اگر سر بر این در نهى ‌‌‌‌‌‌‌

خدایا! مقصر به کار آمدیم ‌‌‌‌‌‌‌                                       تهیدست و امیدوار آمدیم ‌‌‌‌‌‌‌[[۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn7)

وقتى خداوند، به لطف بى ‌‌‌‌‌‌‌منتها و کرم لایتناهى بندگان فرارى ‌‌‌‌‌‌‌اش را به «فاین تذهبون» مى ‌‌‌‌‌‌‌نوازد، چرا ما دست نیاز به سوى او دراز نکنیم. در روایتى آمده است خشنودى خداوند از بازگشت انسان گنهکارى که توبه کند و به سوى او بازگردد، بیشتر است از خوشحالى و خوشنودى کسى که در بیابانى مَرکبش را گم کرده و با سعى و تلاش فراوان و بعد از نا امیدى، مرکب و ناقه ‌‌‌‌‌‌‌اش را مى ‌‌‌‌‌‌‌یابد؛ پس رو به سوى خداوند عزیز صمد آوریم و به او دل ببندیم و تنها مقصد و مقصود ما او باشد.

**عالم و عارف صمدانى، آیت الله کشمیرى ‌‌‌‌‌‌‌**

از کسانى که دل از اغیار بریده و به وسیله ارتباط با این اسم شریف و مداومت بر آن، با تکیه بر مراقبه و مجاهده و استقامت و ثبات قدم در این راه، به اخلاق صمدى متخلق شده و از او عالم و عارفى صمدانى و ملجأ و پناه سالکان راه خدا ساخته بود، حضرت آیت الله سید عبد الکریم کشمیرى رضوان الله تعالى علیه بود. در

این ‌‌‌‌‌‌‌باره، آن بزرگوار به بعضى از شاگردان فرموده بود:

مدتى مشغول ذکر شریف ‌‌‌‌‌‌‌ «الله الصمد» بودم و به آن مداومت داشتم، تا این که در حال کشف و شهود، مَلَکى دیدم که یک سینى به من هدیه کرد که وسط آن، با خط بسیار زیبا و نورانى ذکر «الله الصمد» حک شده بود. من از این واقعه فهمیدم که نصاب و زمان این ذکر به پایان رسیده و وقت ظهور آثار و برکات توجه به این اسم شریف فرا رسیده است و آن آثار و برکاتى که به واسطه این اسم باید به من برسد، رسید.

**آثار و خواص اسم مبارک «صمد»**

اسم مبارک «صمد» به حساب ابجد، ۴۳۱ و عدد مفصل آن ۲۲۰ است. این اسم شریف در قرآن کریم، با اسم جلاله «الله» ترکیب یافته است؛ بنابراین ذکر شریف ‌‌‌‌‌‌‌ «الله الصمد» از اذکار ترکیبى قرآنى است که آثار و برکات خاص خود را دارد. مرحوم کفعمى در بلد الامین در خاصیت اسم صمد مى فرماید:ذاکره لا یجد ألم الجوع ‌‌‌‌‌‌‌[[۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn8)

؛ متذکر به این اسم، درد و گرسنگى را نمى ‌‌‌‌‌‌‌یابد.

ممکن است این خاصیت را از جمله «یا صمداً لا یطعَم؛ اى صمدى که طعام داده نمى ‌‌‌‌‌‌‌شود». در دعاى جوشن کبیر استفاده کرده است و یا از جمله ‌‌‌‌‌‌‌اى که امام حسین ‌‌‌‌‌‌‌علیه ‌‌‌‌‌‌‌السلام در معانى «صمد» به این مضمون فرمود: الصمد الذى لا یأکل و لا یشرب ‌‌‌‌‌‌‌؛[[۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_edn9)

صمد کسى است که نمى ‌‌‌‌‌‌‌خورد و نمى ‌‌‌‌‌‌‌آشامد.

ولى ارباب معرفت، آثار و برکات والاترى براى این اسم شریف قائلند که قابل قیاس با این اثر نمى ‌‌‌‌‌‌‌باشد.

اللّهم اجعل لسانى بذکرک لهجاً و قلبى بحبّک مُتیماً و مُنّ على بحُسن إجابتک بحق محمد و اهل بیته الطاهرین ‌‌‌‌‌‌‌سلام الله علیهم اجمعین ‌‌‌‌‌‌‌

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref1) . العین، لسان العرب. معانى الاخبار، ص ۶.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref2) . معانى الاخبار، ص ۶.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref3) . توحید صدوق، باب تفسیر« قل هو الله احد»، ص ۸۹؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۴، باب ۶.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref4) . بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۹، باب ۲.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref5) .. سوره انعام: ۵۹.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref6) . الانوار الساطعه، ج ۳، ص ۲۴۴.

[[۷]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref7) . بوستان سعدى، حکایت بت پرستى نیازمند.

[[۸]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref8). بلد الامین، ص ۷۱۸.

[[۹]](http://bonyadhad.ir/wp-admin/post.php?post=2954&action=edit" \l "_ednref9) . معانى الأخبار، ص ۶.